

بررسی رابطه سطح توسعه انسانی با ارزش محیط زیست:

مطالعه‌ای تطبیقی

امیر ملکی،* جعفر زلفعلی فام**

چکیده

مقاله حاضر به مطالعه وضعیت ارزش محیط زیست و رابطه آن با سطح توسعه انسانی در سطح بین‌ملتی پرداخته است. اثر تعاملی توسعه با سن و جنسیت نیز آزمون شده است. مقاله حاضر نوعی مطالعه تطبیقی مبتنی بر تحلیل ثانویه است که از داده‌های موج پنجم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی استفاده کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین میانگین ارزش محیط زیست و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد؛ به نحوی که ارزش محیط زیست در کشورهای پیشرفته (با سطح توسعه بسیار بالا) وضعیت بهتر و مناسب‌تری نسبت به کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین دارد. اگرچه کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران در شاخص‌های توسعه انسانی رشد درخور توجهی را تجربه کرده‌اند، همچنان با مسائل محیط‌زیستی بزرگی مواجهند. در مقابل، کشورهای صنعتی پیشرفته با باور و عمل به ارزش‌های حامی محیط‌زیست در کنار ثبات رشد و افزایش شاخص توسعه انسانی برای دستیابی به امنیت حیاتی و انسانی پایدار به‌نحوی عمل کرده‌اند که ردپای کربنی و مخرب خود را در محیط‌زیست کاهش داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارزش، محیط‌زیست، شاخص توسعه انسانی، توسعه پایدار، امنیت حیاتی.

* دانشیار دانشگاه پیام نور a_maleki@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری و مربی دانشگاه پیام نور jafar_fam@yahoo.com

مقدمه

یکی از الزامات توسعه پایدار این است که «محیط زیست به عنوان میراث جمعی بشریت، به گونه‌ای محافظت شود که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای نسل حاضر، ظرفیت پاسخ‌دهی به نیازهای نسل‌های آینده را نیز داشته باشد» (زاهدی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). از این رو، برای دستیابی به «توسعه واقعی، در وهله نخست باید وضعیت فعلی را به درستی شناخت و در گام بعدی باید میزان فاصله وضعیت فعلی از وضعیت مطلوب را تعیین کرد» (کارلوس، ۲۰۰۶: ۸). یکی از شاخص‌های مهم تعیین چنین وضعیتی شاخص توسعه انسانی است. این شاخص می‌پرسد که چگونه شاخص‌های رشد اقتصادی در نهایت موفق می‌شوند. شاخص توسعه انسانی:

شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه: زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب که از سال ۱۹۹۰، با نام گزارش توسعه انسانی به کوشش سازمان ملل متحد منتشر می‌شود. در این شاخص، کشورها در شاخص‌های مختلفی مانند آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... مورد مقایسه قرار می‌گیرند (آزاد ارملی و ملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

تازه‌ترین گزارش سازمان ملل در ارزیابی شاخص توسعه انسانی «از جایگاه هشتاد و هشتم ایران با نمره ۰/۷۰۷ در بین ۱۸۷ کشور جهان خبر می‌دهد» (روئین پرویزی، ۱۳۹۰: ۲). در این گزارش:

ایران از نظر توسعه انسانی در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه هشتم را در اختیار گرفته است. امارات متحده عربی با رتبه جهانی ۳۰ در صدر کشورهای منطقه قرار دارد و قطر، بحرین، عربستان، کویت، لیبی و لبنان نیز در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. بالاترین شاخص توسعه انسانی جهانی با نمره ۰/۹۴۳ در اختیار نروژ قرار دارد و استرالیا، هلند، امریکا و نیوزیلند در رده‌های بعدی هستند (همان: ۳).

گزارش چنین استدلال می‌کند که دستیابی به محیط زیست پایدار به شکلی منصفانه و کارساز با رسیدگی به سلامت، آموزش، درآمد و لغو تبعیض‌های جنسیتی همراه با اقدام جهانی در زمینه تولید انرژی و حفاظت از زیست‌بوم امکان‌پذیر است» (ودیع و کلانتری دهقی، ۱۳۹۰: ۶). گزارش سازمان محیط زیست جهانی حاکی از این است که سرانه تولید گازهای گل‌خانه‌ای توسط کشورهای پیشرفته صنعتی بیش از کشورهای در حال توسعه است. با وجود این، سرعت رشد تولید گازهای گل‌خانه‌ای به وسیله کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه‌یافته است.

جدول ۱. رتبه شاخص توسعه انسانی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و رتبه های اول تا دهم جهان

رتبه های کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا			رتبه های اول تا دهم جهان		
جایگاه در منطقه	نام کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه جهانی	جایگاه	نام کشور
۱	امارات	۸۴۶/۰	۳۰	۱	نروژ
۲	قطر	۸۳۱/۰	۳۷	۲	استرالیا
۳	بحرین	۸۰۶/۰	۴۲	۳	هلند
۴	عربستان	۷۷۰/۰	۵۶	۴	امریکا
۵	کویت	۷۶۰/۰	۶۳	۵	نیوزیلند
۶	لیبی	۷۶۰/۰	۶۴	۶	کانادا
۷	لبنان	۷۳۹/۰	۷۱	۷	ایرلند
۸	ایران	۷۰۷/۰	۸۸	۸	لختن اشتاین
۹	عمان	۷۵۰/۰	۸۹	۹	آلمان
۱۰	ترکیه	۶۹۹/۰	۹۲	۱۰	سوئد

به این ترتیب، ایران با وجود کسب رتبه ۸۸ شاخص توسعه انسانی، در ردیف ده کشور اصلی تولیدکننده گازهای گلخانه ای، یکی از سریع ترین نسبت های افزایش سالانه تولید گازهای گلخانه ای در جهان را نیز به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، افزایش تولید گازهای مخرب گلخانه ای در ایران، باوجود نقش تخریبی آن در انهدام محیط زیست، با رشد تولید و توسعه نسبت عکس داشته است. این نشان دهنده این واقعیت است که دستیابی به امنیت حیاتی پایدار صرفاً از طریق ارتقای شاخص های توسعه انسانی میسر نیست.

بنابراین، توسعه شاخص های انسانی شرط لازم برای توسعه و نه شرط کافی برای رسیدن به جامعه امنی است که در آن محیط زیست به مثابه ارزشی پایدار نهادینه شده باشد. بنابراین، ارزش های نهادینه شده در جامعه می تواند بر طیف گسترده ای از نگرش ها و رفتارها تأثیر بگذارد. در این زمینه هاول معتقد است: «ارزش ها می تواند ابزاری کارآمد برای توصیف و تبیین شباهت ها و تفاوت های بین افراد، گروه ها، فرهنگ ها و جوامع باشد» (هاول، ۲۰۱۲: ۳). از دیدگاه او ارزش های محیط زیست «کیفیت یا ویژگی های فیزیکی از محیط زیست است که به سلامت زیست محیطی یا سازگاری عمومی با منابع محیط زیست و محافظت از آنها منجر می شود» (همان، ۵). ارزش های محیط زیست بسته به جایگاه و نحوه استفاده ای که از آنها در چارچوب جامعه به عمل می آید، می توانند باعث تسریع یا کندی روند توسعه شوند. ارتباط تنگاتنگ ارزش های محیط زیست با فرایند توسعه پس از انتشار کتاب برجسته راشل کارسون به نام بهار خاموش و همچنین بروز حوادث زیست محیطی به صورت موضوعی فراگیر درآمد که در این زمینه نیز مثل هر موضوع

اجتماعی و سیاسی دیگر ابتدا فقط اقلیت کوچکی اهمیت آن را درک می‌کردند. بنابراین لازم بود تا برای تأکید بر این مسئله بر جنبه‌های منفی آن پافشاری شود توجه افکار عمومی به مسائل محیط‌زیست جلب گردد (کلر و بوتکین، ۱۳۸۸: ۲۱). جامعه‌شناسی در دهه ۱۹۹۰ پس از ظهور محیط‌گرایی است که به مسئله بوم‌شناسی^۱ به مثابه مسئله‌ای ملی می‌پردازد و موضوع‌های مربوط به محیط زیست در شاخه‌ای با عنوان جامعه‌شناسی محیط زیست تحت بررسی قرار می‌گیرد. هدف جامعه‌شناسی محیط زیست این بود که نشان دهد: جهان زیستی- فیزیکی^۲ هم به عنوان عاملی تصادفی در شکل‌دادن به تغییرات اجتماعی و هم به عنوان محصول ساختارهای اجتماعی با تحلیل جامعه‌شناختی مرتبط است. لذا جامعه‌شناسی محیط زیست نشان داد که جمعیت آسیب‌پذیرتر، به‌ویژه در کشورهای فقیرتر و کمتر توسعه‌یافته، هر روز در زندگی‌شان با مخاطرات تهدیدکننده‌ای مواجهند که از مهم‌ترین این مخاطرات مسائل زیست‌محیطی است (تومه، ۱۳۸۰: ۵۲).

بنابراین، محیط زیست در واقع یکی از عوامل مهم ایجادکننده امنیت حیاتی برای بشر است. با توجه به این واقعیت مهم‌ترین مسئله این مقاله پاسخ‌دادن به این سؤال است که آیا رابطه‌ای بین افزایش سطح توسعه انسانی و ارتقای ارزش‌های محیط زیستی در بین کشورهای جهان وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

آئیوگی یوسوی و همکارانش (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان مقایسه بین‌المللی رفتارها و نگرش‌های حامی محیط زیست به این نتیجه رسیدند که ساختار ارزش‌های زیست‌محیطی کشورهای آسیایی با ساختار ارزشی کشورهای اروپایی به‌طور معنی‌داری متفاوت است. یافته‌های آنها حاکی از آن است که در هلند و ایالات متحده ارزش‌های زیست‌محیطی با ارزش‌های نوع‌دوستانه مرتبط هستند. در حالی که در ژاپن، بانکوک و مانیل ارزش‌های زیست‌محیطی با هردو نوع ارزش‌های سنتی و نوع‌دوستانه در ارتباطند. دوم آنکه در تمام کشورهای تحت بررسی، ارزش‌های زیست‌محیطی در مقابل ارزش‌های خودخواهانه و متری هستند و سوم اینکه عوامل مشوق کنش‌های زیست‌محیطی بر حسب نوع کشورها متفاوت است. آنها نشان دادند یک شیوه تفکر زیست‌محیطی مطابق با ارزش‌های سنتی آسیایی احترام به پدر و مادر و امنیت خانواده است، در حالی که جوامع غربی بر این باورند که چنین تفکری مخالف ارزش‌های سنتی‌شان است. این تفاوت‌های ساختاری قبلاً نیز به‌کوشش وایت (۱۹۶۷) و چند محقق ژاپنی (برای مثال واتانابه، ۱۹۹۵) تأیید شده بود. همچنین ولج

^۱ Ecology

^۲ Biophysical

(۲۰۰۲) در مطالعه‌ای رابطه میان شاخص‌های مهم توسعه انسانی را با ارزش‌های فرهنگی محیط‌زیستی در پنجاه و چهار کشور جهان بررسی کرد. او در این مطالعه نشان داد که چگونه افزایش شاخص‌های توسعه انسانی با تغییر کیفیت محیط زیست تغییر می‌کند. مطالعات اخیر دیتز و استرن (۱۹۹۸)، و شولتز و زیلزنی (۲۰۰۰) نشان داد که از بین سه جهت‌گیری ارزشی حاکم بر نگرش افراد، یعنی جهت‌گیری ارزشی زیست‌کره، نوع‌دوستانه و خودخواهانه، جهت‌گیری ارزش زیست‌کره رابطه قوی با نگرش مثبت به محیط زیست دارد (به نقل از لی، ۲۰۱۱: ۳۰۲). عبداللطیف و همکاران (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی با مقایسه روابط علی بین ارزش‌های زیست‌محیطی و رفتار بازیافت مصرف‌کنندگان در دو منطقه شهری نشان دادند که ارزش محیط زیست به مثابه عاملی مهم برای بازیافت زباله‌های شهری از اهمیت برخوردار است. ستوده و پوراصغر (۱۳۸۹) در تحقیقی با مقایسه گزارش شاخص‌های پایداری و عملکرد محیط زیست در بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ نشان دادند که در شاخص پایداری محیط زیست در سال ۲۰۰۵ ایران در بین ۱۴۶ کشور رتبه ۱۳۲ را کسب کرده است. در سال ۲۰۰۶ رتبه ایران از بین ۱۳۳ کشور ۵۳ و در سال ۲۰۰۸ از بین ۱۴۹ کشور ۶۷ بوده است. آنها خاطر نشان می‌کنند که ارتقای جایگاه محیط زیست و توجه بیشتر به محیط زیست در برنامه‌های توسعه کشور ضرورت دارد. محمدی آشنایی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تأکید می‌کنند با توجه به اینکه الگوهای توسعه از نظام ارزشی جامعه پیروی می‌کند، تلفیق ارزش‌های محیط زیست که شالوده نظام ارزشی است با راهبردهای توسعه انسانی ضرورت دارد. در این زمینه عقیلی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی بودند که آیا رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی وجود دارد یا خیر؟ نتایج تحقیق نشان داد که برای ترویج و توسعه ارزش‌ها و رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست باید سرمایه اجتماعی بین گروهی تقویت شود. در نهایت صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) به مطالعه رفتارهای مسئولانه و غیرمسئولانه در قبال ارزش زیست‌محیطی و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ۶۹/۴ درصد از افراد تحت مطالعه در برابر محیط زیست رفتارهای مسئولانه داشته‌اند. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از پایین بودن آگاهی زیست‌محیطی افراد تحت مطالعه است.

چارچوب نظری

ازجمله مهم‌ترین دغدغه‌های همیشگی ربع قرن گذشته بیشتر کشورهای جهان تعامل در عرصه‌های مختلف ارزش‌های زیست‌محیطی و توسعه بوده است. به زعم اکثر صاحب‌نظران توسعه هنگامی امکان‌پذیر است که ارزش‌های مناسب آن نیز موجود باشند. به همین دلیل، اهمیت ارزش‌ها در توسعه موضوعی است که تمام نظریه‌های توسعه بر آن توافق دارند. بیشتر تحقیقات تجربی درباب ارزش‌ها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به کوشش کسانی چون پارسونز و شیلز (۱۹۵۱) موریز (۱۹۵۶) و روکیچ (۱۹۶۸) انجام شده است. آنها از دیدگاه‌های مختلف به بررسی ارزش‌ها پرداخته‌اند. باین حال بررسی ارزش‌های حامی محیط‌زیست اخیراً و آن هم به دلیل تغییر در رهیافت مطالعات توسعه آغاز شده است (وئوقی و اکبری، ۱۳۸۸: ۲).

پیش از دهه ۱۹۸۰ متفکران و برنامه‌ریزان توسعه در اکثر کشورهای جهان بیشتر بر بعد اقتصادی توسعه تأکید می‌کردند که نتیجه آن توسعه‌نیافتگی، ناپایداری توسعه و تخریب محیط زیست به‌ویژه در کشورهای فقیر و درحال توسعه بود. از آن زمان به بعد توسعه پایدار و به بیانی توسعه انسانی- زیست‌محیطی نزد اندیشمندان جایگاهی ویژه یافت. بنابراین، به دنبال طرح مقوله حفاظت از محیط‌زیست و رواج فرهنگ زیست‌محیطی توجه ویژه‌ای به نقش ارزش‌های محیط زیست در مقوله توسعه شد. حتی این توجه در بین جامعه‌شناسان کلاسیک هم کاملاً مشهود بود. برای نمونه کارل مارکس معتقد بود آدمی به طبیعت زنده است، یعنی طبیعت پیکره اوست؛ پس چنانچه آدمی بخواهد زنده بماند، باید پیوسته با طبیعت گفت‌وگو کند (برمن، ۱۳۸۲: ۲۵۱). اشاره‌های مارکس به مفهوم ارزش محیط زیست گواه آن است که او تیزبینانه به تاراج محیط زیست در نظام سرمایه‌داری وقوف داشته است (گیر، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

دراین‌زمینه مطالعات دیتز و شولتز نشان داد که نگرش زیست‌محیطی نتیجه مجموعه منحصربه‌فردی از جهت‌گیری‌های ارزشی است، و سه جهت‌گیری ارزشی حاکم بر نگرش افراد وجود دارد: الف) جهت‌گیری ارزشی زیست‌کره (برای مثال، نگرانی برای ارزش ذاتی محیط زیست طبیعی)، ب) جهت‌گیری ارزشی اجتماعی نوع‌دوستانه (مثلاً نگرانی در جهت رفاه انسان‌های دیگر) و ج) جهت‌گیری ارزشی خودخواهانه (مثلاً نگرانی برای رفاه خود) (لی، ۲۰۱۱: ۳۰۲). مطالعات بعدی نشان داده‌اند که «جهت‌گیری ارزش زیست‌کره با نگرش مثبت به محیط زیست رابطه‌ای قوی دارد. به عبارت دیگر، فردی که دارای ارزشی است که تأکیدش بر جهت‌گیری ارزش زیست‌کره و هماهنگی انسان و طبیعت است، به حفاظت از محیط زیست نگرش مثبت دارد» (جودیت و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۶۹).

بنابراین، اندیشمندان اجتماعی توجه روزافزونی به تأثیر دوسویه فرایند توسعه انسانی و ارزش های محیط زیست از خود نشان می دهند. به باور این اندیشمندان می توان همراه ارتقای شاخص های ارزش محیط زیست در کنار رشد و افزایش شاخص توسعه انسانی رد پای تخریب محیط زیست را هم کاهش داد. مهم ترین تلاش در جهت ارائه نظریه ای منسجم در زمینه جایگاه ارزش ها در فرایند توسعه مربوط به رونالد اینگلهارت است. او در سه دهه گذشته نظریه ای درباره تغییر ارزش ها پیشنهاد کرده که براساس آن اولویت های ارزشی در جوامع صنعتی از توجه مادی گرایانه به توسعه، اقتصاد و امنیت فیزیکی، به تأکید بیشتر بر آزادی، کیفیت محیط زندگی یا ارزش های غیرمادی گرایانه تغییر جهت داده است (وٹوقی و اکبری، ۱۳۸۸: ۱۰).

اینگلهارت معتقد است: «کشورهای ثروتمند پسا صنعتی، صنعتی و کشاورزی از جهت سطح توسعه انسانی و نابرابری اجتماعی و در نتیجه از جهت شرایط اصلی زندگی، امنیت انسانی و آسیب پذیری در برابر خطرات بسیار باهم تفاوت دارند» (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۳). این تفاوت باعث ظهور اندیشه توسعه انسانی و به دنبال آن طرح اندیشه امنیت حیاتی در سال های اخیر به منزله هدف مهم توسعه جهانی پدیدار شده است که یکی از تأثیرهای مهم آن پذیرش و درک کیفیت محیط زیست به مثابه هدف جهانی در افق زمانی طولانی تر است. اندیشه مهم امنیت حیاتی مبین رهایی از مخاطرات مختلف زندگی اجتماعی است. واضح است که در این دیدگاه نظری توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، تحصیل و باسوادی، فراوانی منابع و درآمد، مراقبت های بهداشتی، رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست زیرمجموعه امنیت انسانی را شکل می دهند.

فرضیه های تحقیق

- فرضیه ۱. میانگین ارزش محیط زیست بین کشورهای مختلف با سطوح گوناگون توسعه انسانی متفاوت است.
- فرضیه ۲. میانگین ارزش محیط زیست بین زنان و مردان در سطح جهانی متفاوت است.
- فرضیه ۳. اثر تعاملی جنسیت و سطح توسعه انسانی بر ارزش محیط زیست در سطح جهانی معنی دار است.
- فرضیه ۴. میانگین ارزش محیط زیست در گروه های مختلف سنی در سطح جهانی متفاوت است.
- فرضیه ۵. اثر تعاملی سن و سطح توسعه انسانی بر ارزش محیط زیست در سطح جهانی معنی دار است.

روشن‌شناسی

نوع مطالعه: پژوهش حاضر مطالعه‌ای تطبیقی است که با تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از پروژه موج پنجم بررسی ارزش‌های جهانی^۱ علاوه بر مطالعه وضعیت ارزش محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی به بررسی آن در سطح توسعه انسانی کشورها نیز پرداخته است.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

سطح توسعه انسانی: هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی^۲ از طرف برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها از نظر شاخص‌های مختلف و ترکیبی مانند آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و... مقایسه می‌شوند. در این تحقیق کشورهای جهان براساس میزان شاخص توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم شدند. ایران در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا یعنی گروه دوم قرار گرفته است.

ارزش محیط زیست: در اینجا ارزش محیط زیست به مثابه نوعی دغدغه و حساسیت به مسائل محیط زیستی و آمادگی برای حمایت از آن است. مقیاس ارزش محیط زیست در قالب طیف لیکرت مشتمل بر یازده گویه در چهار بعد مندرج در جدول ۱ سنجیده شده است:

جدول ۱

مفهوم	ابعاد	سؤالات
ارزش محیط زیست	بعد اول: جایگاه محیط زیست در مقابل رشد اقتصادی	سؤال ۸۱
	بعد دوم: آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست	سؤالات ۸۲ تا ۸۴
	بعد سوم: دغدغه مسائل محیط زیست ملی	سؤالات ۸۵ تا ۸۷
	بعد چهارم: دغدغه مسائل محیط زیست جهانی	سؤالات ۸۸ تا ۹۰

یافته‌ها و نتایج پژوهش

الف) توزیع ارزش محیط زیست در سطح جهانی

در مطالعه حاضر وضعیت ارزش محیط زیست در ۴۷ کشور جهان تحت مطالعه قرار گرفته است. تعداد افراد تحت مطالعه و میانگین نمره ارزش محیط زیست آنان در هر کشور در جدول ۲ آمده است. در این جدول بالاترین ارزش محیط زیست متعلق به کشورهای پیشرفته صنعتی چون، ژاپن، نروژ، امریکا و... است. بعد از آنها کشورهای توسعه یافته‌ای چون لهستان، برزیل، هندوستان و... قرار دارند و پایین‌ترین نمره ارزش محیط زیست متعلق به کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، ترکیه و مصر است.

^۱ (WVS) طرح ارزش‌های جهانی در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با مسئولیت تقی آزادارمکی در سطح ملی در طول دو سال.

^۲ Human Development Index (HDI)

جدول ۲. میانگین نمره ارزش محیط زیست در ۴۷ کشور جهان

کشور	میانگین	فراوانی	کشور	میانگین	فراوانی	کشور	میانگین	فراوانی
ایتالیا	۱۸/۴۴	۱۰۶۵	هندوستان	۱۶/۶۹	۹۷۳	۱۵/۴۳	۸۴۴	۱۵/۴۳
امریکا	۱۸/۶۵	۸۵۲	اسلوونی	۱۹/۴۹	۲۹۲۷	۱۴/۳۲	۱۱۸۷	۱۴/۳۲
کانادا	۱۸/۵۶	۷۲۳	بلغارستان	۱۵/۵۲	۷۰۵	۱۴/۹۹	۱۸۹۳	۱۴/۹۹
ژاپن	۱۹/۰۷	۱۲۶۶	رومانی	۱۸/۶۴	۲۵۷۲	۱۴/۱۰	۷۴۴	۱۴/۱۰
مکزیک	۱۶/۲۴	۹۶۵	چین	۱۹/۵۹	۹۲۷	۱۵/۹۲	۱۴۰۲	۱۵/۹۲
افریقای جنوبی	۱۷/۶۲	۱۱۷۹	تایوان	۱۹/۵۶	۱۰۳۷	۱۵/۰۸	۲۱۴۴	۱۵/۰۸
استرالیا	۱۸/۱۴	۱۱۶۶	ترکیه	۱۴/۰۰	۸۷۸	۱۷/۹۸	۱۳۵۸	۱۷/۹۸
نروژ	۲۰/۹۵	۸۱۹	اوکراین	۱۵/۸۳	۹۲۴	۱۷/۳۰	۱۰۱۰	۱۷/۳۰
سوئد	۲۱/۷۹	۱۵۵۱	اندونزی	۱۶/۵۷	۱۱۹۸	۱۸/۲۶	۹۳۷	۱۸/۲۶
آرژانتین	۱۴/۷۱	۱۱۲۹	پرو	۸۳/۱۴	۱۲۰۱	۱۳/۲۴	۸۴۰	۱۳/۲۴
فنلاند	۲۱/۰۶	۸۴۷	اروگوئه	۱۸/۵۷	۱۴۱۱	۱۵/۲۱	۹۵۱	۱۵/۲۱
کره جنوبی	۱۹/۰۲	۱۱۳۷	غنا	۱۷/۱۷	۱۲۹۸	۱۳/۷۰	۱۱۹۸	۱۳/۷۰
لهستان	۱۶/۸۸	۹۶۷	مولدووا	۴۶/۱۵	۱۳۰۳	۱۷/۶۰	۸۷۴	۱۷/۶۰
سوئیس	۱۹/۹۰	۱۱۰۴	گرجستان	۳۲/۱۵	۱۰۲۸	۱۹/۴۴	۱۱۴۷	۱۹/۴۴
برزیل	۱۷/۲۹	۱۵۰۹	تایلند	۱۹/۲۰	۱۷۵۷	۲۲/۳۵	۱۴۲۱	۲۲/۳۵
شیلی	۱۶/۶۸	۱۱۶۶	ویتنام	۱۶/۹۰			۸۶۹	

ب) آزمون فرضیه‌ها

۱. سطح توسعه انسانی و ارزش محیط زیست

فرضیه ۱. میانگین ارزش محیط زیست در بین کشورهای مختلف با سطوح گوناگون توسعه انسانی متفاوت است.

جدول ۳ میانگین مقیاس ارزش محیط زیست را در کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها در قالب چهار گروه از سطح توسعه انسانی بسیار بالا تا پایین نشان می‌دهد. بالاترین ارزش محیط زیست متعلق به کشورهایی است که از سطح توسعه انسانی بسیار بالایی برخوردارند (میانگین = ۱۸/۲۲). بعد از آنها به ترتیب کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا (میانگین = ۱۶/۴۲)، سپس متوسط (میانگین = ۱۶/۱۷) و در انتها کشورهای با سطح توسعه انسانی پایین (میانگین = ۱۵/۶۰) قرار دارند.

با توجه به اینکه آماره محاسبه شده از طریق آزمون واریانس یک طرفه (۹۴۲/۵۹۴ = اف) در سطح معناداری آن (۰/۰۰۰ = معناداری) قرار دارد، می‌توان گفت تفاوت در وضعیت ارزش محیط زیست در کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها معنی دار است؛ یعنی کشورهایی که دارای توسعه انسانی بسیار بالا هستند و جزء کشورهای پیشرفته صنعتی محسوب می‌شوند، در مقایسه با کشورهایی که دارای توسعه انسانی بالا، متوسط و

پایین هستند، توجه ویژه‌ای به ارتقای شاخص‌های امنیت حیاتی و حفظ ارزش‌های محیط زیستی دارند.

همان‌طور که گفته شد، متغیر ارزش محیط زیست در پژوهش حاضر با استفاده از چهار بعد "محیط‌زیست درمقابل رشد اقتصادی"، "حمایت مالی از محیط زیست"، "دغدغه محیط زیست ملی" و "دغدغه محیط زیست جهانی" سنجیده شده است. جدول ۴ وضعیت هریک از این ابعاد را برحسب سطح توسعه انسانی کشورها نشان می‌دهد.

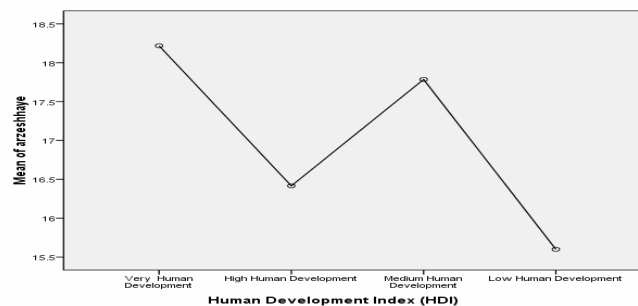
محیط‌زیست درمقابل رشد اقتصادی: درباب اولین بعد ارزش‌های محیط زیست، یعنی محیط زیست درمقابل رشد اقتصادی نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که پایین‌ترین میانگین ارزش محیط زیست درمقابل رشد اقتصادی متعلق به کشورهایی است که از سطح توسعه انسانی بسیار بالایی برخوردارند (میانگین = $1/45$)؛ بعد از آنها به ترتیب کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا (میانگین = $1/48$)، پایین (میانگین = $1/55$) و در انتها کشورهای با سطح توسعه انسانی متوسط (میانگین = $1/64$) قرار دارند. با توجه به اینکه مقدار آماره محاسبه شده از طریق آزمون واریانس یک‌طرفه ($319/380$ اف) در سطح معناداری ($0/000$) قرار دارد، می‌توان گفت تفاوت مشاهده شده در وضعیت محیط‌زیست درمقابل رشد اقتصادی در کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها معنی‌دار است؛ یعنی کشورهایی که دارای سطح توسعه بسیار بالا هستند، حفاظت از محیط زیست را در اولویت قرار می‌دهند، حتی اگر موجب کندتر شدن رشد صنعتی و توسعه اقتصادی آنها شود. درمقابل کشورهایی که دارای سطوح توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین هستند، رشد صنعتی و اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهند، حتی اگر موجب خسارت دیدن و نابودی محیط زیست شود.

جدول ۳. میانگین نمره ارزش محیط زیست کشورها برحسب سطح توسعه انسانی

سطح توسعه انسانی کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
بسیار بالا	۲۰۱۵۱	۱۸/۲۲	۴/۵
بالا	۱۵۷۰۴	۱۶/۴۲	۴/۲
متوسط	۱۱۶۶۲	۱۶/۱۷	۴/۶
پایین	۸۸۸۱	۱۵/۶۰	۴/۵
کل	۵۶۳۹۸	۱۷/۲۱	۴/۶
معناداری = $0/000$		اف = $942/594$	

جدول ۴. میانگین ابعاد ارزش محیط زیست برحسب سطح توسعه انسانی کشورها

ابعاد ارزش محیط زیست	سطوح توسعه انسانی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اف	معداداری
محیط زیست درمقابل رشد اقتصادی	بسیار بالا	۲۱۱۹۱	۱/۴۵	۰/۵۹۱	۳۱۹۰/۳۸۰	۰/۰۰۰
	بالا	۱۰۲۶۹	۱/۴۸	۰/۵۴۷		
	متوسط	۱۴۰۵۷	۱/۶۴	۰/۶۵۳		
	پایین	۹۶۶۷	۱/۵۵	۰/۵۷۱		
حمایت مالی از محیط زیست	بسیار بالا	۲۱۰۶۴	۷/۰۰	۱/۵۶۹	۵۲۲/۹۶۱۱	۰/۰۰۰
	بالا	۱۰۳۲۰	۶/۶۶	۱/۵۶۷		
	متوسط	۱۴۰۲۹	۶/۴۹	۱/۵۵۷		
	پایین	۱۰۰۳۵	۶/۳۱	۱/۷۳۰		
دغدغه محیط زیست ملی	بسیار بالا	۲۰۸۹۳	۶/۹۴	۳/۴۰۲	۳۱۱/۰۵۸۳	۰/۰۰۰
	بالا	۱۱۰۵۱	۶/۹۴	۲/۹۹۶		
	متوسط	۱۵۰۵۸	۶/۲۳	۲/۸۷۷		
	پایین	۹۵۳۲	۴/۸۳	۲/۳۵۳		
دغدغه محیط زیست جهانی	بسیار بالا	۲۱۹۱۰	۴/۸۰۲۳	۱/۵۳۵	۸۸۸/۵۸۵۵	۰/۰۰۰
	بالا	۱۰۳۲۵	۴/۰۰۱۸	۱/۷۰۱		
	متوسط	۱۲۵۷۱	۵/۱۸۷۸	۲/۱۳۰		
	پایین	۸۴۵۸	۴/۶۹۹۷	۲/۱۰۵		



نمودار ۱. میانگین کشورها برحسب سطح توسعه انسانی و ارزش محیط زیست

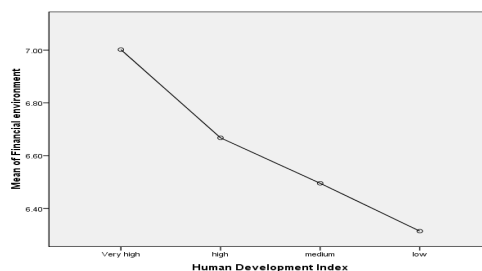
نمودار ۱ نشان می‌دهد کشورهایی که در سطح توسعه انسانی بسیار بالا قرار دارند بالاترین نمره را (۱۸/۵) در حفظ شاخص‌های مربوط به ارزش‌های محیط زیست کسب کرده‌اند و بعد از آنها کشورهای با سطح توسعه انسانی متوسط (۱۷/۵)، بالا (۱۶/۱۵) و پایین (۱۵/۵) قرار دارند.



نمودار ۲. میانگین کشورها برحسب سطوح توسعه انسانی و محیط زیست درمقابل رشد اقتصادی

نمودار ۲ نشان می‌دهد کشورهایی که سطح توسعه انسانی بسیار بالا دارند پایین‌ترین نمره را درمقابل رشد اقتصادی به بهای ازدست‌رفتن و تخریب محیط زیست گرفتند (۱/۴)، اما این میزان دربین کشورهای با سطح توسعه بالا (۱/۵۰)، متوسط (۱/۶۶) و پایین (۱/۵۵) بالاتر است.

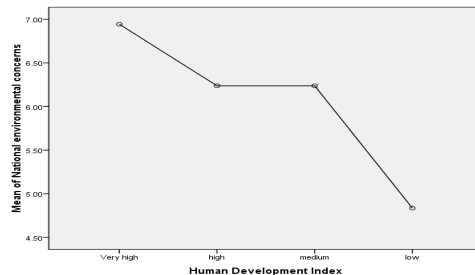
آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست: درباره دومین بعد ارزش‌های محیط زیست، یعنی آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست، نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که بالاترین میزان آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست متعلق به کشورهایی است که از سطح توسعه انسانی بسیار بالایی برخوردارند (میانگین = ۷/۰۰). بعد از آنها به‌ترتیب کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا (میانگین = ۶/۶۶)، سپس متوسط (میانگین = ۶/۴۹) و در انتها کشورهای با سطح توسعه انسانی پایین (میانگین = ۶/۳۱) قرار دارند. با توجه به اینکه مقدار آماره محاسبه‌شده از طریق آزمون واریانس یک‌طرفه (۵۲۲/۹۶۱ = ف) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) قرار دارد، می‌توان گفت تفاوت مشاهده‌شده در وضعیت آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست در کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها معنی‌دار است؛ یعنی کشورهایی که دارای سطح توسعه بسیار بالایی هستند حاضرند بخشی از درآمد خود را در راه جلوگیری از آلودگی محیط زیست مصرف کنند، اما این آمادگی در بین کشورهایی که دارای سطوح توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین هستند کمتر است.



نمودار ۳. میانگین کشورها برحسب آمادگی برای حمایت مالی از محیط زیست و سطوح توسعه انسانی

نمودار ۳ نشان می‌دهد کشورهای با سطح توسعه انسانی بسیار بالا (۷/۰۰) آمادگی بیشتری برای حمایت مالی از محیط زیست دارند. این میزان در بین کشورهای با سطح توسعه بالا (۵/۵)، متوسط (۶/۰۰) و پایین (۴/۵) کمتر است.

دغدغه محیط زیست ملی: درباب سومین بعد ارزش‌های محیط زیست، یعنی دغدغه محیط زیست ملی نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد بالاترین دغدغه‌های محیط زیست ملی متعلق به کشورهایی است که از سطح توسعه انسانی بسیار بالا (میانگین=۶/۹۴) و بالا (میانگین=۶/۹۴) برخوردارند و بعد از آنها کشورهای با سطح توسعه متوسط (میانگین=۶/۲۳) و در انتها کشورهای با سطح توسعه انسانی پایین (میانگین=۴/۸۳) قرار دارند. با توجه به اینکه مقدار آماره محاسبه شده از طریق آزمون واریانس یک‌طرفه (۳۱۱/۰۵۸=ف) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) قرار دارد، می‌توان گفت تفاوت مشاهده شده در وضعیت دغدغه محیط زیست ملی کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها معنی‌دار است. بدین معنا که میزان دغدغه‌های محیط زیست ملی همچون کیفیت آب، هوا، فاضلاب و بهداشت در بین کشورهایی که دارای سطوح توسعه انسانی بسیار بالا، بالا و متوسط هستند بیشتر است؛ درمقابل این دغدغه‌ها در بین کشورهایی که دارای سطح توسعه انسانی پایین هستند کمتر است.



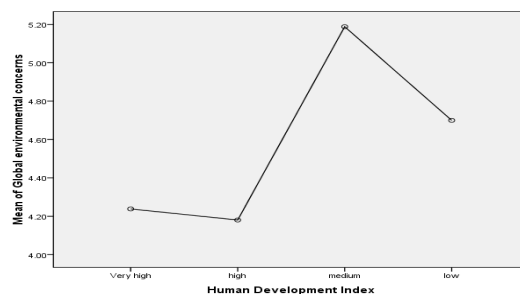
نمودار ۴. میانگین کشورها برحسب دغدغه محیط زیست ملی و سطوح توسعه انسانی

نمودار ۴ نشان می‌دهد کشورهایی که در سطح توسعه انسانی بسیار بالا (۷/۰۰) قرار گرفته‌اند، بالاترین دغدغه را درقبال محیط زیست ملی کسب کرده‌اند. درمقابل این میزان در بین کشورهای با سطح توسعه بالا (۶/۵۰)، متوسط (۶/۰۰) و پایین (۵/۰۰) کمتر است.

دغدغه محیط زیست جهانی: درباب چهارمین بعد ارزش‌های محیط زیست، یعنی دغدغه محیط زیست جهانی نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد بالاترین دغدغه‌های محیط زیست جهانی متعلق به کشورهایی است که از سطح توسعه انسانی متوسط (میانگین=۵/۱۸) و پایین (میانگین=۴/۶۹) برخوردارند و بعد از آنها کشورهای با سطح

توسعه بالا (میانگین = ۴/۱۸) و در انتها کشورهای با سطح توسعه انسانی بسیار بالا (میانگین = ۴/۲۳) قرار دارند. با توجه به اینکه مقدار آماره محاسبه شده از طریق آزمون واریانس یک طرفه ($F = ۸۸۸/۵۸۵$) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) قرار دارد، می توان گفت تفاوت مشاهده شده در وضعیت دغدغه محیط زیست جهانی کشورهای جهان برحسب سطح توسعه انسانی آنها معنی دار است؛ یعنی که کشورهایی که دارای سطح توسعه انسانی بسیار بالا و بالا هستند، میزان دغدغه های محیط زیست جهانی همچون افزایش درجه حرارت زمین، ازدست رفتن انواع موجودات و تنوع زیستی در جهان، آلودگی رودخانه ها، دریاچه ها و اقیانوس ها پایین است، به دلیل اینکه این کشورها قادرند خطرات ناشی از این دغدغه ها و نگرانی ها را تا آنجایی که ممکن است از خود دور کنند. درمقابل این دغدغه ها و نگرانی ها در بین کشورهایی که دارای سطح توسعه انسانی متوسط و پایین هستند بیشتر است. این نتیجه با دیدگاه اولریش یک هم سو است. یک خاطرنشان می کند:

تأثیرات مخرب ناشی از مخاطره های زیست محیطی بر طبقات پایین به مراتب بیشتر از طبقات ثروتمند است. همچنین این امر درمورد همه ملتهای جهان نیز صادق است؛ یعنی تا اندازه زیادی خطرات ناشی از این مخاطره ها در ملتهای فقیر مرکزیت دارند تا در ملتهای ثروتمند و غنی که قادرند خطرات ناشی از این مخاطره ها را تا آنجایی که ممکن است از خود دور کنند (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۶۴۱).



نمودار ۵. میانگین کشورها برحسب دغدغه محیط زیست جهانی و سطوح توسعه انسانی

نمودار ۵ نشان می دهد کشورهایی که در سطح توسعه انسانی خیلی بالا (۴/۳۰) و بالا (۴/۲۰) قرار گرفته اند پایین ترین دغدغه محیط زیست جهانی را کسب کرده اند. درمقابل این میزان در بین کشورهای با سطح توسعه متوسط (۵/۲۰) و پایین (۴/۸۰) بیشتر است.

۲. جنسیت و ارزش محیط زیست

فرضیه ۲. میانگین ارزش محیط زیست بین زنان و مردان در سطح جهانی متفاوت است. جدول ۵ میانگین ارزش محیط زیست را برحسب جنسیت در سطح جهانی نشان می دهد. نمره میانگین زنان برابر با ۱۸/۸۱ و نمره میانگین مردان ۱۸/۹۲ است. با توجه به

اینکه مقدار آماره محاسبه شده از طریق آزمون تی (۲/۷۳۴) در سطح معناداری (۰/۱۳) قرار ندارد، می توان گفت تفاوت مشاهده شده در وضعیت ارزش محیط زیست در بین زنان و مردان در سطح جهانی معنی دار نیست.

جدول ۵. آزمون بررسی تفاوت میانگین ارزش محیط زیست بین زنان و مردان در سطح جهانی

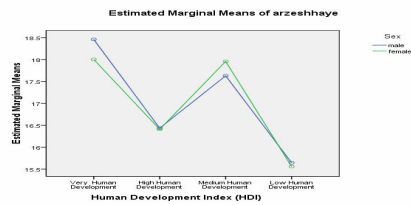
جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
مرد	۲۵۱۰۴	۱۸/۹۲	۴/۷۶۵	۲/۷۳۴	۰/۱۳
زن	۲۵۸۳۴	۱۸/۸۱	۴/۶۰۶		

دیگر پژوهش های انجام شده در ایران نیز این یافته را تأیید کرده اند. برای نمونه در این زمینه شاهنوشی و عبداللهی (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که تفاوتی بین ارزش های محیط زیست در بین مردان و زنان مشاهده نمی شود. صالحی و امام قلی (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی نشان دادند که بین جنسیت و رفتارهای زیست محیطی رابطه ای وجود ندارد. فرضیه ۳. اثر تعاملی جنسیت و سطح توسعه انسانی بر ارزش محیط زیست در سطح جهانی معنی دار است.

به منظور بررسی بیشتر موضوع در مقاله حاضر با استفاده از تحلیل واریانس دوطرفه اثر متقابل جنسیت و توسعه انسانی به طور توأمان تحت آزمون قرار گرفت. نتایج این تحلیل در جدول ۶ آمده است. نتایج جالب توجه است، اگرچه جنسیت به تنهایی تأثیر معناداری بر ارزش محیط زیست نداشت، در تعامل با سطح توسعه انسانی این تأثیر معنی دار شده است. نتایج نشان می دهد اثر متقابل میزان شاخص توسعه انسانی بر ارزش های محیط زیست بین دو گروه از زنان و مردان یکسان نیست. بدین معنا که باور به ارزش های محیط زیست در بین زنان و مردان جهان به وسیله میزان شاخص توسعه انسانی و میزان دستیابی به امنیت حیاتی تعیین می شود. بدین معنا که زنان و مردانی که در کشورهای با شاخص توسعه انسانی بسیار بالا (میانگین = ۱۸/۲۲) زندگی می کنند، در مقایسه با مردان و زنانی که در کشورهای با توسعه انسانی بالا (میانگین = ۱۶/۴۲)، متوسط (میانگین = ۱۷/۷۹) و پایین (میانگین = ۱۵/۶۰) زندگی می کنند، باور بیشتری به ارزش های محیط زیست دارند و این ارزش بالای محیط زیست در بین آنها بر اثر ارتقای شاخص های توسعه انسانی و امنیت حیاتی در کشورهای آنهاست نه به خاطر جنسیت.

جدول ۶. آزمون واریانس دوطرفه برای متغیرهای ارزش محیط زیست، جنسیت و سطح توسعه انسانی

معناداری	اف	میانگین مربعات	درجه آزادی	متغیر وابسته: ارزش محیط زیست
۰/۰۰۰	۰۲۷/۹۵۱	۷۰۵/۱۹۲۲۱	۳	شاخص توسعه انسانی
۰/۱۳۲	۲۶۷/۲	۸۱۳/۴۵	۱	جنسیت
۰/۰۰۰	۶۰۱/۱۹	۱۷۴/۳۹۶	۳	شاخص توسعه انسانی * جنسیت



نمودار ۶. میانگین کشورها برحسب جنسیت، ارزش محیط زیست و سطوح توسعه انسانی

نمودار ۶ نشان می‌دهد زنان و مردانی که در کشورهای با سطح توسعه انسانی بسیار بالا زندگی می‌کنند بالاترین نمره را (۱۸/۵۰) در حفظ ارزش‌های محیط زیست به دست آوردند. بعد از آن کشورهای با سطح توسعه انسانی متوسط (۱۸/۰۰)، بالا (۱۶/۰۵) و پایین (۱۵/۵) قرار دارند.

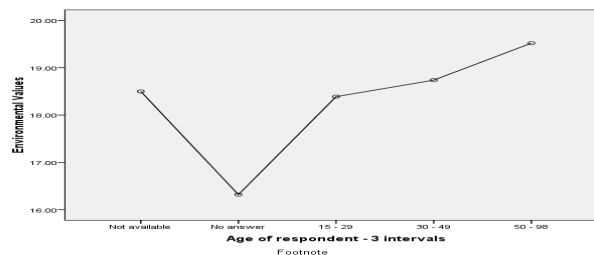
۳. سن و ارزش محیط زیست

فرضیه ۴. میانگین ارزش محیط زیست در گروه‌های مختلف سنی در سطح جهانی متفاوت است.

جدول ۷ میانگین ارزش محیط زیست را برحسب گروه‌های سنی در سطح جهانی نشان می‌دهد. نمره میانگین جوانان ۱۸/۳۹، میان سالان ۱۸/۷۳ و سال‌خوردگان برابر با ۱۹/۵۱ است. با توجه به اینکه مقدار آماره محاسبه‌شده از طریق آزمون واریانس یک‌طرفه (۳۵/۵۰۱=ف) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) قرار دارد، می‌توان گفت تفاوت مشاهده‌شده در وضعیت ارزش محیط زیست در گروه‌های مختلف سنی معنی‌دار است؛ یعنی نوع رابطه به‌نحوی است که با افزایش سن، احترام افراد به محیط زیست و باور به ارزش‌های محیط زیست نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۷. آزمون بررسی تفاوت میانگین ارزش محیط زیست برحسب گروه سنی در سطح جهانی

گروه سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اف	معناداری
جوانان	۱۴۹۸۳	۱۸/۳۹	۴/۸۹۴/۸۳	۱۲۷/۹۱۶	۰/۰۰۰
میان سالان	۲۰۳۱۰	۱۸/۷۳	۴/۶۵۹۷۴		
سال‌خوردگان	۱۵۵۳۶	۱۹/۵۱	۴/۷۸۴۴۳		



نمودار ۷. میانگین کشورها برحسب گروه‌های سنی و سطوح توسعه انسانی

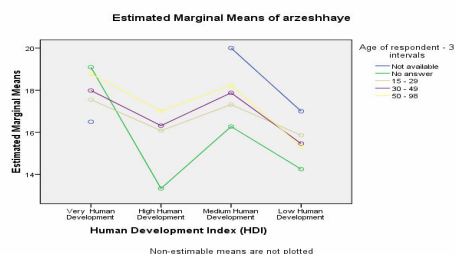
نمودار ۷ نشان می‌دهد که با افزایش سن، احترام افراد به ارزش‌های محیط زیست نیز افزایش می‌یابد؛ یعنی احترام به ارزش‌های محیط زیست در بین گروه‌های سنی ۵۰ تا ۹۸ سال (۱۹/۵۰) در مقایسه با گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال (۱۹/۰۰) و ۱۵ تا ۲۹ سال (۱۸/۰۰) بیشتر است.

فرضیه ۵. اثر تعاملی سن و سطح توسعه انسانی بر ارزش محیط زیست در سطح جهانی معنادار است.

جدول ۸ تأثیر سطح توسعه انسانی و سن را به‌تنهایی و توأم نشان می‌دهد. در تحلیل واریانس یک‌طرفه مشخص شد که سن به‌تنهایی دارای تأثیر معنی‌دار است. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه مؤید معناداری تأثیر تعاملی سن با سطح توسعه انسانی بر ارزش محیط زیست است.

جدول ۸. نتایج آزمون واریانس دو طرفه برای متغیرهای شاخص توسعه انسانی، سن و ارزش محیط زیست

معناداری	اف	میانگین مربعات	درجه آزادی	متغیر وابسته: ارزش محیط زیست
۰/۰۰۰	۶/۵۰۸	۱۳۰/۶۳۹	۳	شاخص توسعه انسانی
۰/۰۰۰	۳۵/۵۰۱	۷۱۲/۵۹۷	۴	گروه سنی
۰/۰۰۰	۱۳/۳۶۳	۲۶۸/۲۳۳	۱۱	شاخص توسعه انسانی * گروه سنی



نمودار ۸. نمودار میانگین ارزش محیط زیست برحسب گروه سنی و به تفکیک سطح توسعه انسانی

نمودار ۸ نشان می‌دهد که مسن‌ترها در مقایسه با جوان‌ترها به محیط زیست و ارزش‌های آن احترام بیشتری می‌گذارند. البته این میزان در بین کشورهای با سطح توسعه بسیار بالا (۲۰/۰۰) بیشتر است و بعد از آن کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا (۱۹/۰۰)، متوسط (۱۶/۰۰) و در نهایت کشورهای با سطح توسعه انسانی پایین (۱۴/۰۰) قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال بود که با افزایش شاخص توسعه انسانی در سطح کشورهای جهان، وضعیت ارزش محیط زیست تغییر معناداری می‌کند یا خیر؟ در این

پژوهش وضعیت ارزش محیط زیست در ۴۷ کشور جهان تحت مطالعه قرار گرفته است. بالاترین ارزش محیط زیست متعلق به کشورهای پیشرفته صنعتی چون، ژاپن، نروژ، امریکا و... است. بعد از آنها کشورهای توسعه یافته‌ای چون، لهستان، برزیل، هندوستان و... قرار دارند و پایین‌ترین نمره ارزش محیط زیست متعلق به کشورهای در حال توسعه‌ای مانند، ایران، ترکیه و مصر است. این یافته را محققان دیگر نیز تأیید کرده‌اند. آئویوگی یوسوی و همکاران (۲۰۰۳) نیز نشان دادند مردم کشورهای پیشرفته (با سطح توسعه انسانی بالا) در حفظ ارزش‌های محیط زیست نسبت به مردم کشورهای آسیایی (با توسعه انسانی در حال رشد) عمل‌گراتر و فعال‌تر عمل می‌کنند. ولج (۲۰۰۲) نیز نشان داد که چگونه افزایش شاخص‌های توسعه انسانی با تغییر متغیر کیفیت محیط زیست تغییر می‌کند. دیتز و استرن (۱۹۹۸)، و شولتز و زیلزنی (۲۰۰۰) نیز به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری ارزشی افراد نقش مهمی در نگرش‌های زیست‌محیطی آنها دارد (به نقل از لی، ۲۰۱۱: ۳۰۲). در نهایت ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی نتیجه‌گیری کردند که ارزش‌های فرهنگی جامعه عامل تعیین‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی تک‌تک افراد آن است و این ارزش‌ها هم جدا از سطح توسعه انسانی نیست.

در پژوهش حاضر میانگین ارزش محیط زیست بین زنان و مردان در سطح جهانی تفاوت معناداری را نشان نداد. محققان بسیاری در قالب نظریه اکوفمینیسم^۱ به بررسی رابطه جنسیت با ارزش‌های محیط زیست پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به شیوا (۱۹۸۸)، میس (۱۹۹۳) و مایلز (۲۰۰۶) اشاره کرد. این نظریه در واقع معتقد است که زنان به دلیل زن‌بودن رابطه محکم‌تری با طبیعت و محیط زیست دارند. بنابراین، از دیدگاه این محققان ارزش‌های محیط زیست در بین زنان بیشتر و محکم‌تر از مردان است (مجیدی و رحمانی ۱۳۸۸).

با این حال پژوهش‌های انجام‌شده در ایران این دیدگاه را تأیید نکرده‌اند. برای نمونه در این زمینه شاهنوشی و عبداللهی (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که تفاوتی بین ارزش‌های محیط زیست مردان و زنان مشاهده نمی‌شود. صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی نشان می‌دهند که بین جنسیت و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ای وجود ندارد. اگرچه جنسیت به‌تنهایی تأثیر معناداری بر ارزش محیط زیست نداشت، در تعامل با سطح توسعه انسانی این تأثیر معنی‌دار شده است؛ بدین معنا که اثر متقابل میزان شاخص توسعه انسانی بر ارزش‌های محیط زیست در بین دو گروه از زنان و مردان یکسان نیست. از این‌رو باور به ارزش‌های محیط زیست در بین زنان و مردان جهان به‌وسیله میزان شاخص توسعه

^۱ Ecofeminism

انسانی و میزان دستیابی به امنیت حیاتی تعیین می‌شود. بدین معنا که زنان و مردانی که در کشورهای با شاخص توسعه انسانی بسیار بالا زندگی می‌کنند در مقایسه با مردان و زنانی که در کشورهای با توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین زندگی می‌کنند، باور بیشتری به ارزش‌های محیط زیست دارند و این ارزش بالای محیط زیست در بین آنها بر اثر ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و امنیت حیاتی در کشورهای آنهاست نه مرد یا زن بودن آنها. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر وجود تفاوت معنادار در جایگاه ارزش محیط زیست در گروه‌های مختلف سنی است. نوع رابطه به گونه‌ای است که با افزایش سن احترام افراد به ارزش‌های محیط زیست افزایش می‌یابد. در این زمینه صالحی (۲۰۱۰) در تحقیقی نشان می‌دهد که براساس پژوهش به عمل آمده، رفتار گروه‌های سنی با محیط زیست متفاوت است؛ به نحوی که مسن‌ترها بیش از جوان‌ترها به محیط زیست و ارزش‌های آن احترام می‌گذارند و در قبال محیط زیست رفتارهای مسئولانه از خود نشان می‌دهند. او در نهایت معتقد است ریشه این تفاوت‌ها را می‌توان با ارجاع به نوع و میزان ارزش دادن افراد به مذهب تبیین کرد. در نهایت می‌توان گفت افزایش شاخص‌های توسعه انسانی که خود زیرمجموعه‌ای از امنیت حیاتی است در کشورهای صنعتی پیشرفته هم‌زمان و همراه ارتقای شاخص‌های ارزش محیط زیست و اهمیت ویژه قائل شدن برای محیط زیست در این کشورها بوده است. بسیاری از کشورهای صنعتی پیشرفته در کنار رشد و افزایش شاخص توسعه انسانی ردپای کربنی و مخرب خود را هم در قبال محیط زیست کاهش می‌دهند. یعنی، باور و عمل به ارزش‌های محیط زیست را در کنار افزایش شاخص‌های توسعه انسانی برای نیل به امنیت حیاتی جلو می‌برند؛ برخلاف بیشتر کشورهای در حال توسعه‌ای که در رشد شاخص‌های توسعه انسانی خوب عمل کرده‌اند، اما با بزرگ‌ترین فجایع زیست محیطی مواجهند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی (۱۳۸۵) «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰: ۹۷-۱۲۱.
- ادهمی، عبدالرضا و الهام اکبرزاده (۱۳۹۰) «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸ تهران)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال اول، شماره ۱: ۳۷-۶۲.
- اینگلهارت، رونالد و پیپا نوریس (۱۳۸۷) *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

- برمن، مارشال (۱۳۸۲) تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- تومه، ژرژ (۱۳۸۰) توسعه فرهنگی و محیط زیست، ترجمه محمود شارع پور، تهران: باز.
- روئین پرویزی، مجید (۱۳۹۰) «گزارش شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۱»، *روزنامه دنیای اقتصاد* ۲۳ آذر: ۲-۳.
- ریتز، جورج، جی. و داگلاس گودمن (۱۳۹۰) *نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، تهران: جامعه‌شناسان.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲) *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
- ستوده، احد و فرزاد پوراصغر سنگاچین (۱۳۸۹) «بررسی گزارش‌های شاخص‌های پایداری و عملکرد محیط زیست در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و جایگاه ایران»، *فصلنامه محیط زیست و توسعه*، سال ۱، شماره ۱: ۵۱-۷۲.
- شاهنوشی، مجتبی و عظیمه‌السادات عبداللهی (۱۳۸۸) «تحلیلی بر فرهنگ زیست‌محیطی مردم اصفهان و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه دانشگاه اصفهان*، شماره ۳: ۲۱-۳۴.
- صالحی، صادق و لقمان امام‌قلی (۱۳۹۱) «مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)»، *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی*، سال سوم، شماره ۱: ۱۲۱-۱۴۷.
- عقیلی، سیدمحمود، غلامرضا خوشفر و صادق صالحی (۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران (مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)»، *فصلنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد شانزدهم، ویژه‌نامه ۱-الف: ۱۱-۲۱.
- کلو، ادوارد و دانیل بوتکین (۱۳۸۸) *شناخت محیط زیست: زمین، سیاره زنده*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- کارسون، راسون (۱۳۸۱) *بهار خاموش*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده و امین عوض کوچکی، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- گیر، آرن. ای (۱۳۸۰) *پسامدرنیسم و بحران زیست‌محیطی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: چشمه.
- محمدی آشنایی، محمدحسین، علی محمدی آشنایی و الهام حسنی (۱۳۸۷) «تلفیق اخلاق محیط زیست با رهیافت ارزیابی راهبردی محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال سوم، شماره‌های ۳ و ۴: ۲۱-۳۹.
- مجیدی، بتول و بیژن رحمانی (۱۳۸۸) «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی»، *فصلنامه محیط‌زیست*، سال سوم، شماره ۶: ۵۲-۶۹.
- ودیعه، ساسان و لیلا کلانتری دهقی (۱۳۹۰) «گزارش توسعه انسانی»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۲ آذر: ۵-۶.
- وثوقی، منصور و حسین اکبری (۱۳۸۸) «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها؛ یک مطالعه تطبیقی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۹: ۲۴-۳۱.

- Aoyagi Usui, M. & Vinken, H. & Kuribayashi, A. (2003) "Pro-Environmental Attitudes and Behaviors: An International Comparison", *Human Ecology Review*, 10: 23-31.
- Abdul Latifa, S. & Shukri Omara, M. & Hussin Bidina, Y. & Awangb, Z. (2012) "Environmental Values as A Predictor of Recycling Behaviour in Urban Areas: A Comparative Study", *Journal Procedia Social and Behavioral Sciences*, 50: 989 – 996.
- Carolas, S. M. (2006) "Conserving Nature but to What End", *Organization & Environment*, 2: 19-27.
- Howell, R. A. (2012) "It's not (Just) the Environment, Stupid Values, Motivations, and Routes to Engagement of People Adopting Lower-Carbon Lifestyles", *Global Environmental Change*, 1: 10-21.
- United Nations (2011) *Human Development Report 2011*, New York: Oxford University Press.
- Inglehart, R. (2012) "World Values Survey", <http://www.worldvaluessurvey.org/wvs.jsp>
- Judith, I. M., Grout, D. & Linda, I. (2010) "Relationships between Value Orientations, Self-Determined Motivational Types and Pro-Environmental Behavioural Intentions", *Journal of Environmental Psychology*, 30: 368-378.
- Lee, K. (2011) "The Role of Media Exposure, Social Exposure and Biospheric Value Orientation in the Environmental Attitude-Intention-Behavior Model in Adolescents", *Journal of Environmental Psychology*, 31 : 301-308.
- Sadegh, S. (2010) *Pepole and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran*, LAP Lambert Academic Publishing.
- Shiva, V. (1988) *Staying Alive: Women, Ecology and Development*, London: Zed Press.
- United Nations (2011) *Human Development Report 2002*, New York: Oxford University Press.
- Watanabe, M. (1995) *Gendai no Nihon-jin no Shizen-Kan: Seiyō Tono Hikaku* (The Japanese View of Nature in the Modern Era: A Comparison with Westerners), In Shuntaro Ito (ed.), *Japanese View of Nature*, Tokyo: Kawade Publishers.
- Weiner, M. ED. (1996) *Modernization: The Dynamics of Growth*, New York: Basic.
- Welch, H. (2002) "Preferences over Prosperity and Pollution: Environmental Valuation Based on Happiness Surveys", *Kyklos*, 55: 473–494.
- White, L. JR. (1967) "The Historical Roots of Our Ecological Crisis", *Science*: 155-3767.